



خان گزیده‌ها ۲ سال بعد

چهار هزار کلمه در چهار دقیقه
وقتی «شیرسامرا» از همه چیزش گذشت
بازسازی خوش رنگ ولعاب یک اثر جاودان
وقتی عمار ماهواره‌های روستا را خاموش کرد

ششمین جشنواره بین‌المللی مردمی عمار

نشریه روزانه ششمین جشنواره مردمی فیلم عمار
شماره هفتم - پانزدهم دی ماه ۱۳۹۴
6th ammar popular film festival

گزارشی از کمپین «ننه عصمت»





نشست نقد و بررسی «شریک الانتصار»

باید سلسله مستند درباره شهید شاطری ساخت

برای مخاطبان ایجاد ایهام کرده تا موجب شود موضوع آن لو نرود. نادری افزود: زمانی که «شهید شاطری» به شهادت رسید تازه متوجه شدم که نام واقعی او این است و «حسام خوش نویس» نامی بوده که به صورت محلی برای او انتخاب شده بود. آنجا بود که متوجه شدم این شهید بزرگوار در کنار ایران در کشورهای عراق، لبنان، سوریه، آذربایجان و افغانستان خدمات فنی و مهندسی فراوانی انجام داده است. وی ادامه داد: به علت میزان فعالیت و عملکرد شهید شاطری در کشور لبنان اگر قصد ساختن مستند کاملی پیرامون ایشان را داشتیم باید سلسله مستندهایی را تهیه و تولید می کردیم. ولی مسئله ای که اینجا با آن روبرو بودیم مشکل و محدودیت از نظر بودجه بود. براین اساس ما وارد بحث مدیریتی اقدامات این شهید بزرگوار شدیم و خدمات او در کشور لبنان را به تصویر کشیدیم.

این کارگردان خاطرنشان کرد: حق شهیدی همچون شاطری این است که فیلم سینمایی بزرگ و پرروداکشن پیرامون او و شخصیت و فعالیت های او تهیه و تولید شود. نکته دیگر اینکه زمانی که شهید شاطری در سوریه به شهادت رسید دکتر رکن آبادی سفرایران در لبنان بود. به همین خاطر از او پرسیدیم که شهید شاطری چگونه به شهادت رسید.

نادری اضافه کرد: زیرا بعد از شهادت ایشان حاشیه هایی در رسانه ها توسط دشمنان و غربی ها ایجاد شده بود که او در حال حمل سلاح توسط هواپیماهای اسرائیلی مورد هدف قرار گرفته و ترور شده است. البته این موضوع که شهید شاطری توسط اسرائیل ترور شده امری بود که برای همه ثابت شده بود.

وی تصریح کرد: بعد از شهادت شهید شاطری در سوریه بود که در سفری به این کشور رفته و متوجه شدم که او در سوریه مدرسه و مهدکودک ساخته است. حتی ایشان پروژه هایی را در اطراف حرم حضرت زینب (س) انجام داده است.

نشست نقد و بررسی مستند «شریک الانتصار» امشب با حضور «ناصر نادری» کارگردان این مستند در طبقه سوم سینما فلسطین برگزار شد. ناصر نادری کارگردان این مستند در این نشست نقد و بررسی در سخنانی گفت: پیرامون جزئیات ساخت مستند «شریک الانتصار» این نکته را باید عرض کنم که برای این کار در سال ۱۳۸۸ برای نخستین بار به لبنان سفر کردم. زیرا به دنبال ساخت مستندی بودم که تأثیرات امام خمینی (ره) در لبنان را به مردم و مخاطبان نشان بدهد.

وی افزود: تصور من قبل از سفر به لبنان این بود که با کثورتی جنگ زده روبرو هستیم. اما وقتی وارد فرودگاه بیروت شدم ذهنیت من کاملاً تغییر کرد. به صورتی که گویی در یک کشور غربی حضور دارم. در لبنان بود که به یک کنفرانس در مورد مقاومت دعوت شدم و در آنجا بود که از حاضران در این همایش پیرامون امام خمینی (ره) و تأثیرات ایشان بر جامعه لبنان سوالاتی پرسیدم.

نادری خاطرنشان کرد: البته این نکته را باید عرض کنم که شهید شاطری با عنوان «حسام خوش نویس» در کشور لبنان شناخته می شد. اینگونه بود که مصاحبه نسبتاً جامعی با او انجام دادم و اینگونه شد که زمینه های اولیه ساخت و تولید مستند «شریک الانتصار» شکل گرفت. شهید شاطری فردی بود که پس از جنگ ۳۳ روزه حزب الله لبنان با اسرائیل پیروز بازسازی لبنان شد. زیرا او ویرانه های ناشی از این جنگ را بازسازی کرد و حزب الله را در مقابل مردم لبنان سر بلند کرد.

وی اضافه کرد: من در راه ساخت این مستند گروه مخاطب ایرانی را مدنظر قرار داده بودم. علت این امر هم این بود که مردم کشور بینند که ما ایرانی ها از چه عزت و افتخاری در لبنان برخوردار هستیم. مردم باید بدانند که ما در کنار نفوذ سیاسی و نظامی در لبنان از نفوذ فرهنگی بسیار خوب و قابل توجهی برخوردار هستیم.

این کارگردان به علت انتخاب این نام برای مستند خود اشاره کرد و گفت: علت اینکه نام این مستند را «شریک الانتصار» قرار دادم این بود که اسم



افخمی در کارگاه آموزشی «دوران دیجیتال»:

چشم انداز عجیب و شگفت انگیز سینما در دنیای دیجیتال

اینترنت به منابع بیشتری دسترسی پیدا کند. وی گفت: با جست و جو در این دنیای مجازی شما با دریایی از معلومات و مسائل نظری در این حوزه مواجه خواهید شد که راهگشا برای شما خواهد بود. و اگر به زبان انگلیسی نیز مسلط باشید بهره بیشتری خواهید برد. گرچه آن چه که به زبان فارسی نیز موجود است خود دریایی است که در این بخش شما را متبحر می سازد.

افخمی در ادامه به دوران نوجوانی خود اشاره کرد و گفت: در دوره‌ای که ما در سن نوجوانی یا جوانی بودیم، کتاب‌های این حوزه بسیار کم و ناچیز بود و نیز اینترنت وجود نداشت. اما امروز مطالب بسیاری به صورت مکتوب و تصویری در کتاب‌ها و اینترنت وجود دارد که فرد علاقه مند به فیلم سازی را کفایت می کند.

کارگردان فیلم «عروس» در ادامه بحث خود گفت: از این رو سخن ذاکری جهرمی نتیجه‌ی درستی از این اتفاقات است که صرف هزینه و وقت برای راه اندازی مدرسه ملی سینما، برای امروز ضرورتی ندارد. و این جنبه از فیلم سازی یکی از تحولات دیجیتالی است که در این عصر رخ داده است.

حال با این تحولات دیجیتالی که در دنیا در حال روی دادن است اگر که مدرسه ملی سینما را نمی توانیم جمع کنیم باید آن را کوچک کنیم و از طریق اینترنت و فضای مجازی با هنرجویان ارتباط برقرار کنیم.

مجری برنامه «هفت» در ادامه به ابعاد دیگر این تحول پرداخت و گفت: جنبه‌های دیگری از تحولات دیجیتال که در حال تغییر فیلم سازی برای امروز است به این برمی گردد که اگر شما با همت شخصی وسایل مورد نیاز این کار را تهیه و فیلمی بسازید، می توانید ساخته خود را از طریق کانال‌های مختلف در اینترنت عرضه کنید. و زمانی که فیلم شما به یک تعداد آمار مشخص از بیننده برسد، آن سیستمی که شما فیلم خود را در آن عرضه داشته‌اید هزینه‌ای به شما می پردازد.

به گزارش خبرنگار «نشریه روزانه جشنواره مردمی فیلم عمار»: در هفتمین روز از ششمین جشنواره مردمی فیلم عمار، کارگاه آموزشی «دوران دیجیتال» که به بحث تحولات عصر حاضر در مساله سینما و فیلم سازی می پرداخت، برگزار شد.

افخمی گفت: آموزش فیلم سازی دو جنبه دارد؛ جنبه اول قریحه و ذوق هنرجو است که این جنبه با آموزش قابل تزییق و انتقال نیست؛ فردی که ذوق هنری نداشته باشد هر چقدر که آموزش داده شود، بی فایده است. جنبه دوم که در این مدارس قرار به آموزش دادن آن است، بخش تجربی و فنی کار است. این بخش نیاز به یک سلسله وسایل مثل دوربین، ابزار نور، صدا و غیره دارد که با کار با آن‌ها آن چه که باید آموخته شود، به هنرجو آموزش داده می شود. در واقع می توان گفت: ابزار لازم در اختیار هنرجو قرار می گیرد تا بیاموزد.

کارگردان «گاو خونی» در ادامه بحث خود افزود: وقتی به جنبه اکتسای فیلم سازی می رسیم مساله‌ای که قابل آموزش است، در اختیار قرار دادن وسایل مورد نیاز این کار برای علاقه مند است تا تجربه لازم را کسب کند و کار را با تمرین بیاموزد.

وی ادامه داد: اما در دنیای امروز با اتفاقاتی که در عصر حاضر رخ داده است دیگر نیازی به رفتن به دانشگاه یا مدرسه سینما نیست؛ زیرا با شهریه یک ترم دانشگاه، هنرجو می توان وسایل و ابزار مورد نیاز کار را خود فراهم کند و یک فیلم قابل قبول برای پرده سینما بسازد. در واقع یک هنرجو با چیزی در حدود ۳ هزار دلار، رقمی در حدود ۱۰ میلیون تومان می تواند ابزار کار را تهیه و فیلم بسازد.

او افزود: اگر به بخش نظری کار بخواهم بپردازم باز هم بنده معتقدم آن چیزی که به عنوان نظری، یک دانشجو می خواهد از اساتید خود بیاموزد و منابعی که برای نظریه‌های سینمایی از سوی اساتید به او معرفی شود، به راحتی می تواند با مطالعه در کتاب‌های بسیاری که در این زمینه تالیف و ترجمه شده است، بخواند و بیاموزد و همچنین با جست و جو در





۷

فیلمی که نساخته ایم!

فیلم نامه یکی از ارکان مهم جهت تولید آثار سینمایی است و بسیاری از فیلم سازان از نبود فیلم نامه مناسب به عنوان یکی از معضلات تولید آثار سینمایی یاد می‌کنند؛ جشنواره عمار نیز یکی از اهداف خود را معرفی سوزده‌های جدید به سینمای ایران می‌داند؛ از این رو در این بخش به معرفی تعدادی از فیلم نامه‌های ارسالی به این دوره از جشنواره می‌پردازیم.



پرهیزگاران

نویسنده: زینب ملک دادی

قالب اثر: داستانی بلند

خلاصه اثر

«ایرمانی» با دسیسه‌های «سیمبار» نابود شده و زمینه‌های کوچ ایرانیان را به پایتخت ایران، شوش فراهم می‌شود. «سیمبار» و اشراف «ایرمانی» مورد لطف بهمنشاه قرار گرفته و وارد دربار ایران می‌شوند. شهبانوی ایران که زن پرهیزگاری است و با جادوگرها مبارزه می‌کند. کراماتی برایش پیش می‌آید و متوجه خیانت سیمبار می‌شود (سیمبار وارد دربار ایران شده). تا با دسیسه لشکر ایران را علیه سرزمین «ادای» بشوراند. او جادوگری دارد که می‌تواند هر سپاهی را در هر جنگی به پیروزی برساند. به همین دلیل وسوسه شده تا «ادای» را تصرف کرده و امپراطوری «متهانا» را که در افسانه‌های ایرانی از آن صحبت شده در سرزمین ادای برپا کند. «سیمبار» با دسیسه، شهبانو را از سرراه خود برمی‌دارد. اما شهبانو قبل از اینکه از سرراه او برداشته شود یاران خود توس، پرواس و برتهم را به ماموریت‌هایی می‌گمارد که سرانجام به رسوایی و مرگ سیمبار می‌انجامد.

نمایی از اثر

روستای نائیریکا، روز، خارجی، ساعتی بعد
 بچه‌ها با شمشیرهای چوبین با هم مبارزه می‌کنند. و برای هم رزمی خوانند.
 رجز خوانی بچه‌ها ای دیو بدکردار الان تو رو به بند می‌کشم... ای دروغ پرست خشمگین تو باید بمیری
 سوشیانت دوباره راهی شده کوله‌اش را روی دوش می‌گذارد و عصایش را برمی‌دارد. تا برمی‌گردد زن کولی نما را روبروی خود می‌بیند.
 سوشیانت از من چیزی می‌خواهید بانو؟
 زن شمشیردسته طلائی را که در پارچه‌ای پیچیده به سوشیانت می‌دهد. این شمشیر سالهاست که با دیوها و تبهکارها جنگیده و حالا

در غلاف مونده... می‌خوام اونو به مرد پارسایی بسپارید تا اونو از غلاف بیرون بکشه... اینکارو می‌کنید؟
 سوشیانت شمشیر را می‌گیرد و با تکان سر به او که بغضی در گلو دارد اطمینان می‌دهد.

بازگشت به حال: جنگل‌های شوش، روز، خارجی

لشکر شکست خورده کوچکی خرامان در حال عبور است. کشته‌ها بر دوش اسب‌هایشان از پس لشکر می‌آیند و دورتر از آنها دو سرباز دیوانه که پرخاش می‌کنند و فریاد می‌کشند توسط همزمانشان به بند کشیده شده و مراقبت می‌شوند.

شهبانوی جوان و ریزنقش در کنار توس بهن پیکرپیش تراز همه پیش می‌روند. چشمان خسته و ناامید شهبانو از پشت روبنده‌ای که صورتش را پوشانده و تاروی لباس رزمش کشیده شده مشخص است.
 شهبانو بی‌فایده‌اس... درسته... ما از پس اونها بر نمی‌آیم...
 توس می‌ایستد. کمی جلوتر شهبانو سراسبش را کج می‌کند و به سمت توس برمی‌گردد. توس را می‌بیند که به پارچه‌خونی روی شاخه نزدیکش خیره شده.

توس پارچه را برمی‌دارد. تازه است بادی از درون جنگل می‌وزد و موهای بلندش را به پشت می‌کشد. باد از اون سمت می‌وزه
 شهبانو و توس به داخل جنگل می‌تازند.
 توس سوشیانت را که از حال رفته می‌یابد.

توس پیداش کردم شهبانو
 توس به بالین او می‌شتابد. سر روی سینه‌اش می‌گذارد تا از تپش قلبش مطمئن شود. شهبانو به تاخت خودش را می‌رساند. نگران پایین می‌پرد. اما با دیدن شمشیری که کنار سوشیانت افتاده جا می‌خورد.
 شهبانو شمشیر را برمی‌دارد.



گزارشی از کمپین «ننه عصمت»

کوهی از دستکش؛ یادآور پشت جبهه های جنگ ۸ ساله

«من ریحانه کثیری نژاد یازده ساله از تهران هستم. می دانم ماندن در آنجا سخت است و همین طور جنگیدن با دشمنان. من از هوای سرد آنجا خبر دارم و [از]سختی هایی که شما می کشید. من از شما ممنونم که از حرم حضرت زینب یاهرچایی دفاع میکنید تا ما در اینجا بتوانیم راحت و آسوده زندگی کنیم. ما در راحتی می خوابیم ولی شما در هوای سرد و زیر خمپاره و تیراندازی، نگران نباشید. به زودی این سختی ها تمام می شود و شما پیروز می شوید. امیدوارم همیشه در سایه ی امام زمان (عج) موفق و پیروز باشید. به امید نابودی تمام دشمنان»

ما هم مانند شهر در خواب بودیم. و تنها در گریزهایی که به اخبار می زدیم به یاد رزمندگان مدافع حرم می افتادیم. اما با فراخوان «ننه عصمت» جمعیت کثیری از مردم ایران خود را در امتداد خط مقدم دریافتند. وقتی کلاه اهدایی را در دست می گیری، به یکباره رزمنده ای در پیش چشمت حاضرمی شود که آن را بر سر گذاشته است و در میدان نبرد است؛ کلاهی که از سرما مصونش می دارد و تویی که اهدا کرده ای سهمی در این جنگ ایفا نموده ای و در امتداد همان جنگ فرار می گیری.

در آستانه ی جشنواره ی ششم، و فرارسیدن فصل سرما، «ننه عصمت» مادر زودی که سالیان دفاع مقدس برای رزمندگان دستکش می بافت، زنان و دختران ایرانی را دعوت به بافتن دستکش برای مدافعین حرم کرد. این فراخوان «ننه عصمت» موج گسترده ای از کمکهای مردمی را روانه سینما فلسطین محل نمایش فیلمهای جشنواره ششم کرده؛ دیروز پیرمردی آمده بود با نذر پانصد کلاه و دستکش، و امروز یک وانت لباس روانه ی سینما فلسطین شده است.

وارد سینما می شوی، در طبقه ی همکف، غرفه ی تحویل کمک های مردمی را می بینی. انبوهی از لباسهای گرم زمستانی، کلاه و دستکش توسط مردم اهدا شده است. و تو دیگر باره تکرار تاریخ دفاع مقدس را نظاره می کنی. در جبهه ی سوریه، رزمندگان اسلام در جنگند و در پشت خط کمک های مردمی برای فرستادن به خط مقدم اهدا می شوند. و این کمکها برای مایی که این داستانها را از زبان نسل جنگ فقط شنیده بودیم، دیدنی بود. دختر بیچه ای آمده بود با تعدادی لباس زمستانی تا آن ها را به رزمندگان اهدا کند. هنگام اهدا در نامه ای به رزمندگان نوشت:

دیشب زمان بسته بندی لباسهای اهدا شده، در قلب بچه ها بهجت زیادی فوران می کرد.
صدای خنده های بلندشان و سر به سر گذاشتن هایشان با هم، نشان از خوشحالی ای داشت که این حرکت ایجاد کرده بود. در انبوهی از لباسها کم شده بودند و حالا باید جدایشان می کردند و در پلاستیک های بزرگ و تفکیک شده به جبهه ها می فرستادند.

امام جمعه داراب

چه چیز بهتر از اکران فیلم در نماز جمعه

حجت الاسلام رضا صادقی امام جمعه داراب چند سالی است ستاد نماز جمعه این شهر را به پایگاهی برای فعالیت های مردمی جهت اکران فیلم های جشنواره عمار قرار داده است، تاکید وی بر لزوم استفاده از ظرفیت مساجد و نماز جمعه ها برای فعالیت های فرهنگی از جمله اکران فیلم های جشنواره مردمی عمار، گفت و گوی زیر را در پی داشته است.

در اکران های مردمی حضور داشتید؟

بله، به نظرم اکران های مردمی باید در همه جای کشور با همکاری مؤمنین و متدینین برگزار شود و مسئولان هم تجهیزات و امکانات شان را پای کار بیاورند تا جوان هایی که بدون هیچ چشم داشتی فعالیت می کنند دل سرد نشوند.

آیا خود شما نیز اکران داشته اید؟

بچه های عمار داراب پیشنهاد کردند که حین برگزاری یکی از جلسات فرهنگی در دفترم یک فیلم هم اکران شود که این کار شد؛ تعدادی از مسئولان شهر هم در این جلسه حضور داشتند و بسیار خوب بود. یکی از فیلم هایی که دیدم «من مدیر جلسه ام» بود که مربوط به جلسه ای درباره فتنه ۸۸ در حضور مقام معظم رهبری می شود، این فیلم ناگفته هایی از فتنه ۸۸ داشت که برای بنده و سایر بینندگان بسیار جالب و تأمل برانگیز بود.

پخش فیلم در مساجد چه ضرورتی دارد؟

مسجد هم جای عبادت است و هم جایی برای اینکه مردم از اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه آگاه شوند، چه چیز بهتر از این که این فیلم ها در مساجد پخش شوند؛ به صورت خاص در نماز جمعه.

دشمن فرهنگ ما را هدف گرفته است، فیلم سازها، کارگردان ها و دست اندرکارها باید با فرهنگ اسلامی و ظرفیت های مختلف و برای رشد و شکوفایی جامعه فیلم بسازند، در فیلم ها به فرهنگ ایثار و شهادت و افزایش بصیرت بیشتر توجه کنند، عمارگونه عمل کنند؛ از خودگذشتگی نشان دهند و فیلم هایی بسازند که در آگاهی جوانان و نوجوانان مؤثر باشد.

سوزهای هست که دوست داشته باشید فیلمش ساخته شود؟

مزار نماینده امام حسن مجتبی (ع) به نام «دحیه کلبی انصاری» در داراب وجود دارد، ایشان در زمان امام حسن (ع) برای گرفتن خراج به شهر داراب آمد، این تنها خراجی بود که امام حاضر به دریافت آن شدند ولی دحیه به دست مزدوران معاویه به شهادت رسید. مرقد مطهر این بزرگوار در پنج کیلومتری داراب الان زیارتگاه مردم است؛ دوست دارم برای این شخصیت بزرگوار فیلمی ساخته شود.

شهر مظهر امنیت و آسایش است و در ذات خود غفلت به همراه می آورد اما با این فراخوان جمعیتی از شهر بیدار شده است. در تکاپوی تهیه ی لباس زمستانی برای سربازان مدافع حرم افتاده است. دیشب زمان بسته بندی لباسهای اهدا شده، در قلب بچه ها بهجت زیادی فوران می کرد. صدای خنده های بلندشان و سربه سر گذاشتن هایشان با هم، نشان از خوشحالی ای داشت که این حرکت ایجاد کرده بود. در انبوهی از لباسها گم شده بودند و حالا باید جدایشان می کردند و در پلاستیک های بزرگ و تفکیک شده به جبهه ها می فرستادند. کاپشن های زمستانی، کلاه و دستکش بیشترین کمک های اهدا شده توسط مردم بود. کاپشن ها به صورت جدا بسته بندی می شدند و کلاه ها و دستکشها در بسته های جدا. مثل خط تولید کارخانه ها بچه ها به ترتیب نشسته بودند. عده ای کلاه های نورا از نایلونهایشان بیرون می آوردند همه را یک جا می ریختند و عده ای هم دستکش ها را؛ جمعی دیگر هم یک کلاه و دستکش را در پلاستیک های مخصوص می گذاشتند. در گوشه دیگری بچه ها مشغول خواندن نامه های رسیده از اهدا کنندگان بودند. تعدادی از نامه ها بسیار زیبا و خواندنی بود که به تعداد زیادی تکثیر شدند و در پلاستیک کلاه و دستکش قرار می گرفت. با منگنه شدن یک کلاه و دستکش و نامه، یک بسته برای رزمنده درست می شد و در پلاستیک های بزرگی بسته بندی می شد که تا پایان شب حدود هزار بسته ی کلاه و دستکش برای فرستادن به جبهه ها آماده شده بود. از اواسط شب تا زمانی که کار به اتمام برسد، ساعاتی از نیمه شب گذشته بود.

نمی دانم چه سری در کار است که در این مواقع باید زمینه ی کار یاد امام حسین (ع) باشد. هنگام کار کردن، صدای میثم مطیعی قلب بچه ها را از یک سو به هل من ناصر کربلا فرامی خواند و از سوی دیگر به خط مقدم سوریه می برد. دوباره آرزوی شهادت را در قلب بچه ها زنده می کرد. گویی شهادت حسرتی است تاریخی که در قلب انسان شیعه کاشته شده و غبطه بر شهیدای مدافع حرم در جان جمع ما فوران می کرد.

در نامه ای نوشته شده بود:

«شاید وقتی که آنجا هستید و در حال جهاد، یادتان می رود کسانی هستند که آرزو داشته باشند با شما باشند...

امروز راه بسته است! ولی برای شما باز کردند پس قدر بدانید»

محمدی نجات از «قصه بلوچستان» می گوید

«خان گزیده ها»؛ ۳۰ سال بعد

محمد رضا محمدی نجات، از کودکی به ادبیات علاقه داشت و در نوجوانی پا به عرصه روزنامه نگاری نهاد و در این میان تصویر او را فریخته خودش کرد و با هدف تأثیرگذاری بر جامعه خویش وارد عرصه فیلمسازی شد.
محمدی نجات از سال ۷۹ وارد عرصه فیلمسازی شد و بیش از ۸۰ اثر در کارنامه خود دارد.

قصه بلوچستان

در اوایل انقلاب و در سال های ۵۹ یا ۶۰ گروهی از طرف روایت فتح به مدیریت شهید آوینی به منطقه بلوچستان می روند و تأثیر انقلاب را در آن مدت کوتاه بر آن منطقه بررسی می کنند.

به سبب ظلم، ستم و فساد حاکم در دوران شاهنشاهی، اثرات عمیقی بر وضعیت مردم در آن منطقه ایجاد شده بود و با وقوع انقلاب حرکتی در جهت آبادانی و رفع مظلومیت ها ایجاد شده بود و من بعد از گذشت ۳۰ سال به همان منطقه بازگشتم و همان آدم های فیلم شهید آوینی را پیدا کردم و بدون واسطه و مداخله امکان مقایسه را میان آدم آن روز و انسان های امروز را برای مخاطب فراهم کردم و سعی کردم خودم دخالتی در این امر نداشته باشم و آیینگی بین مخاطب و آن منطقه برای انتقال حس ایجاد کنم.

درست است که انقلاب شرایط را برای تغییرات آن منطقه ایجاد کرده اما مسئله مهم ترین است که آن افراد خودشان خواستند تا تغییر کنند و خودشان باعث سطح بالای تغییرات زندگی شان بوده اند. نکته مهم دیگر این است که مطالبه گری جوانان در آن منطقه بسیار عمیق تر و جدی تر شده و خواسته هایشان نسبت به خواسته پدرانشان در اوایل انقلاب بسیار متفاوت تر است و این تغییر نگرش حرکتی رو به جلو و پیشرفت اساسی محسوب می شود و نشان دهنده تأثیر انقلاب در روح و جان مردم است.

روستای شگین در بلوچستان منطقه ای است که علیرغم طبیعت و منابع آبی خوب به خاطر اهمال و دور افتادگی کم برخوردار بوده اما به برکت انقلاب و تلاش مسئولان چهره اش دگرگون شده است...

البته سعی کردم در این مستند، نشان دهم، فراتر از کارهای عمرانی که در آن منطقه صورت گرفته، بازسازی و عمرانی است که در دل های مردم ایجاد شده است و مردم آن دیار از دلمردگی که قبل از انقلاب داشتند در

آمدند و نشاط سرزندگی پیدا کردند و نمودش در سطح همین مطالباتی است که برای آن ها ایجاد شده است. من به دنبال این بودم تا نشان دهم توسعه های عمرانی ایجاد شده به دلیل زنده شدن دل مردم و روشن بینی است که انقلاب برای آن ها ایجاد کرده است.

ساخت مستند

ساخت هر مستند با هر مدیومی نیاز به تحمل مشکلات و سختی های خاص خود دارد و خوشبختانه مردم و بچه های آن منطقه نیز رغبت داشتند تا وضعیت و پیشرفت هایشان منتقل شود و این کم کاری ما بوده که در این سال ها دوربینی به سمت آن ها نرفته است.

اما این مسئله که ما بی تفاوت باشیم به پیشرفت های کشور و دستاوردهای انقلاب من را آزار می دهد و همچنان سوژه های بسیاری در گوشه گوشه ی ایران نهفته که همچنان مغفول است و به نظرم باید دیده شوند و در رسانه ضریب داشته باشند.

شاید تنگ نظری های محلی و منطقه ای سبب شده تا صدای اقشار مختلف مردم شنیده نشود و نکته ای دیگر که هست مظلومیت انقلاب اسلامی است؛ چرا که دستاوردها و پیشرفت های انقلاب که ایجاد شده به درستی منعکس نشده است.

جایگاه پژوهش در ساخت مستند

ساخت مستند بدون پژوهش معنا و تمایز پیدا نمی کند، البته ممکن است شیوه های پژوهش متفاوت باشد اما فقدان حلقه پژوهش در اثر مستند سبب می شود تا آن اثر برجستگی خاصی پیدا نکند. البته شیوه های پژوهش نیز متفاوت است گاهی یک اثر نیاز به پژوهش میدانی دارد و گاهی نیاز به پژوهش کتابخانه ای و آرشیوی دارد، اما زمانی

سعی کردم در این مستند، نشان دهم، فراتر از کارهای عمرانی که در آن منطقه صورت گرفته، بازسازی و عمرانی است که در دل های مردم ایجاد شده است و مردم آن دیار از دلمردگی که قبل از انقلاب داشتند در آمدند و نشاط سرزندگی پیدا کردند و نمودش در سطح همین مطالباتی است که برای آن ها ایجاد شده است.



«ان جی او» های بین المللی در «خانه مستضعفین»

مستند «خانه مستضعفین» به چه موضوعی می پردازد؟

همانطور که می دانید بسیاری از آزادی خواهان و عدالت خواهان جهان، انقلاب اسلامی را نه تنها یک انقلاب شیعی و اسلامی بلکه انقلابی برای مستضعفین جهان می دانند. در سفری که به لبنان داشتم، یک کشیش مسیحی به من می گفت: فکر نکنید امام خمینی (ره) تنها رهبر شیعیان و مسلمانان است، امام خمینی (ره) رهبر مستضعفان جهان است.

همایش سمن های جهانی (سازمان های مردم نهاد جهانی) هم همایشی است که با تفکر ضد امپریالیستی و ضد استکباری سالی یک بار در کشوری برگزار می شود و اهداف ثانوی مانند حمایت از مردم مظلوم فلسطین و جنبش های آزادی خواه جهان را دنبال می کند و امسال هم این همایش در کشور تونس و با عنوان «المنتدی الاجتماعیه» تشکیل شد. من هم برای ساخت مستندی با آنها همراه شدم و از تفکرات و فعالیت ها و اتفاقاتی که برای آنها می افتاد، مستندی را تهیه کردم.

فرآیند ساخت مستند در خارج از مرزها

مستند «خانه مستضعفین» دومین مستندی بود که به صورت کاملاً فردی آن را تصویربرداری کردم و به خاطر مشکلات مالی در فضای مستند سازی کشور و مشکلاتی که در سفر گروهی وجود داشت، ناگزیر بودم به تنهایی سفر کنم و امکان همراهی فیلم بردار و دستیار عوامل دیگر را نداشتم؛ لذا همه کارها را از حمل و نقل وسایل تا مصاحبه و تصویربرداری و کارگردانی خودم انجام می دادم و این کار مرا بسیار سخت می کرد و تجربیات ساخت این مستند فردی در حدی است که می توان تجربیات آن را در قالب یک کارگاه به کسانی دنبال چنین کارهایی هستند، ارائه داد. همچنین مشکل دیگری که وجود داشت فشرده‌گی این سفر بود که چهار روز بود و دوروز از این سفر با تغییرات شدید آب و هوایی روبرو شدم به صورتی که گاهی دوربین را هنگام فیلم برداری با نایابونی می پوشاندم.

به نظر خودتان چقدر توانستید در معرفی این گروه های بین المللی موفق باشید؟

رضایت من از این کار نسبی است و آن هم به دلیل زمان کم و تنهایی کار کردن است و اگر می توانستم از کمک افرادی در مرحله تولید استفاده کنم، تنوع بیشتری حاصل می شد اما با این وجود با این امکانات و زمان از کارم راضی هستم و تمام تلاشم را کردم از گزارش دوری کنم و به نوع روایی مستند نزدیک شوم.

این مستند برای گشودن دریچه ای جدید بر روی یکی از اتفاقات مهم بین المللی ساخته شد و با توجه به اینکه مخاطب آن دانشجویان و طلاب هستند، با اکران آن در دانشگاهها و حوزه های علمیه می تواند بستر جدیدی برای فعالیت این عزیزان در حوزه های بین الملل باشد و از آنجا که «خانه مستضعفین» اولین مستندی است که به این سازمان های مردم نهاد ضد استکباری پرداخته است، با اطلاعاتی و جذابیت آن مهمتر از ویژگی های دیگرش است و برای مخاطب خارجی هم جذاب است. امید وارم که این مستند دریچه ای برای ساختن آثار بهتری در این زمینه باشد.

جشنواره مردمی عمار چقدر توانسته است در بیان آنچه جهان اسلام به آن

نیازمند است، موثر باشد؟

جشنواره عمار، قابلیت و ابتکار جدید و جذابی در نمایش آثار دارد و با اکران های مردمی محفلی را برای اینکه فیلم ها به مخاطبین برسد، فراهم می کند و هر سال به نسبت سال قبل، پخته تر و وزین تر می شود.

که فیلمساز صرفاً پژوهش می کند بهره ای مثبت است که در پایان کار به دست خواهد آورد.

فیلمسازان و مستند سازانی که به دنبال این

هستند تا راه شهید آوینی را ادامه دهند باید بر

روی چه موضوعاتی کار کنند؟

مهمترین موضوع وحدت ملی است که باید روی آن تمرکز کرد و بسیار جای کار دارد، مسئله ای که دشمن همواره نشان داده که نسبت به آن توجه دارد. وحدت ملی سوژه ای بوده که همواره بخش عمده ای از آثار شهید آوینی در اوایل انقلاب به آن بازمی گردد و یکی از ارکان اصلی حفظ موجودیت فرهنگی، هویت ملی است.

جشنواره عمار تا چه میزان در معرفی ناگفته

های انقلاب اسلامی ایران تأثیر دارد؟

باید رسانه جمهوری اسلامی به اقصی نقاط کشور توجه کند و وضع همه اقشار جامعه را بررسی کند و دست یابی به این مهم افزون بر نیازمندی به تلاش و کوشش به پژوهشی بزرگ نیز وابسته است و جشنواره عمار به سهم خود می تواند در این زمینه راهگشا باشد.

مسئله دیگری که باید به آن توجه کرد دیده شدن فیلم هایی است که با این هدف ساخته می شود و باید برای هر منطقه که دارای ویژگی های قومی و زبانی خاصی است بسته هایی مناسب و با هدف رفع نیاز همان منطقه تولید و در میان آن ها توزیع کنیم.

اکران های مردمی

به نظر من اکران های فیلم در عمار باید هدفمندتر صورت گیرد و این اکران ها باید بر اساس نیازهای کشور صورت گیرد و هر چه قدر بسته های نمایش فیلم ها را هدفمندتر انجام دهیم گامی رو به جلو برداشته ایم. اما نکته بعدی که مکمل این کار است که با کمک دست اندرکاران جشنواره صورت می گیرد این است که تولید محتوای لازم در کنار اهمیت دادن به خروجی مناسب تولید شود و سوژه هایی ناب و همفکری های لازم به کسانی که به دنبال مسئله تولید هستند صورت گیرد.

نیکی ملکی از توزیع متفاوت مستندش می گوید

مستندی برای نسل «بعد از خمینی»

حجت الله نیکی ملکی متولد ۱۳۶۳ در تهران و فارغ التحصیل کارشناسی ارشد MBA از دانشگاه صنعتی شریف و دانشجوی دکتری مدیریت رسانه دانشگاه تهران است. فعالیت های رسانه ای را با رویکرد رسانه های اجتماعی و نوین از سال ۸۷ شروع کرده و بعد از طراحی شبکه اجتماعی افسران به مدیریت آن و نیز تولید محتوا در رسانه های اجتماعی پرداخته است.

ها در حال انجام است به طوری که قسمت های مختلف آن در مساجد نزدیک به ۲۰ استان در حال اکران است و استقبال خوبی هم از آن شده است.

وی پیرامون مشکلات ساخت این مستند خاطرنشان کرد: بزرگترین مشکل ما نداشتن آرشیو بود، سیاسی بودن مستند «بعد از خمینی» هم دلیلی دیگری بود که نهادها آرشیو خود در اختیار ما نمی گذاشتند به طوری که ناگزیر شدیم همه عکس ها و فیلم ها را از اینترنت بدست آوریم. نیکی ملکی در این باره افزود: در عین حال که کار سیاسی- تاریخی مشکلات خاص خود را دارد، دانش ساخت مستندهای سیاسی در کشور ما وجود ندارد و هرچند مستندهای سیاسی خوبی ساخته شده اما معمولاً اختلاف سطح جدی با مستندهای بین المللی دارند و ما سعی کردیم با دیدن مستندهای قوی و استخراج قواعد آنها، به دانش ساخت این مستندها تا حدودی دست پیدا کنیم.

وی درباره عوامل تولید این مستند، گفت: گروه ما را نسل سومی هایی که بیشتر آنها رحلت امام خمینی (ره) را ندیده اند، تشکیل می دهند و خاصیت این سنین این است که منافعی ندارند و لذا براحتی حرف هایی را می زنند که مثلاً در صدا و سیما مطرح نمی شود و به خط قرمزهای ساختگی توجهی ندارند.

کارگردان مستند «بعد از خمینی» در پاسخ به سوالی پیرامون وجه تمایز جشنواره مردمی عمار از دیگر جشنواره ها تصریح کرد: مردمی بودن این جشنواره علاوه بر اکران های آن که ویژگی بسیار برجسته این جشنواره است، در ساخت فیلم ها هم نمود دارد به طوری که افرادی که خود را با فضای رسانه و فیلم سازی بیگانه می دیدند، پای کار آمدند و جسارت فعالیت در این عرصه ها را پیدا کردند.

وی با تصریح به اینکه تأکید جشنواره عمار بر روی محتوای فیلم ها قابل توجه است، یادآور شد: توانایی برقراری ارتباط با مخاطب خاکستری و جذب او در اکثر آثار وجود ندارد و گاهی اوقات هم به اندازه ای درگیر مسائل هنری و فنی می شویم که فراموش می کنیم این اثر قرار بود پیام و ارزشی را منتقل کند.

نیکی ملکی ادامه داد: تلاش ما این بوده است که با این قشر خاکستری نیز ارتباط برقرار کنیم و به همین منظور، قبل از ساخت مستند «بعد از خمینی» مخاطب پژوهی خوبی روی گروه های مختلف اجتماعی انجام دادیم و بررسی کردیم که چطور می توانیم پیام خود را به این گروه های مختلف برسانیم.

وی درباره برنامه کاری آینده اش گفت: تمرکز من بر روی مستندهای سیاسی- تاریخی است و به همین منظور چند پروژه را قرار است شروع کنم و انشاءالله به جشنواره عمار سال آینده برسانیم.

حجت الله نیکی ملکی، کارگردان مستند «بعد از خمینی» در گفتگو با خبرنگار «نشریه روزانه جشنواره مردمی فیلم عمار» با اشاره به ارسال این مستند به جشنواره عمار، گفت: این مستند به سالهای ۱۳۶۷-۱۳۷۷ می پردازد و هدف ما از تولید آن در وهله اول تأکید مقام معظم رهبری بر آگاهی نسل سومی ها از تاریخ معاصر و تاریخ انقلاب و دیگری بررسی کارآمدی شبه گفتمان های رقیب گفتمان اصلی جمهوری اسلامی را در عرصه عمل بررسی کنیم.

وی با بیان اینکه معمولاً هر انقلابی بعد از فوت بنیانگذار آن دچار پوست اندازی می شود، تصریح کرد: هدف ما هم در مستند «بعد از خمینی» این بود که آیا در جمهوری اسلامی هم این دگردیسی و تغییر آرمان ها اتفاق افتاده است و اگر تغییری بوده، پیامدهای آن چیست.

این فعال رسانه ای با اشاره به توزیع این اثر در شبکه های اجتماعی، اظهار داشت: این اثر با هدف توزیع در رسانه های اجتماعی تولید شده و سریالی بودن آن نیز به همین دلیل است؛ از این رو انتخاب تصاویر و عناوین به گونه ای صورت گرفت که در موبایل هم قابل مشاهده باشد و همچنین برای توزیع آن یک شبکه توزیع بوجود آوردیم.

وی افزود: توان گذاشته شده برای توزیع این مستند سریالی کمتر از تولید آن نبوده و ما سعی کردیم با ایجاد جریان در رسانه های اجتماعی، بستر این توزیع را فراهم کنیم.

نیکی ملکی در ادامه بیان داشت: اکران این مستند علاوه بر اکران های مردمی جشنواره عمار، در نقاط مختلف و از جمله در مساجد و دانشگاه





بازسازی خوش رنگ و لعاب یک اثر جاودان

میلاادپسندیده

فناوری موشن کپچرز از بدن بازیگران واقعی، به بدن کاراکترهای سه بعدی منتقل میشود. و بر خلاف دیگر آثار مشابهی که از این فناوری بهره گرفته اند، شاهد حرکاتی مصنوعی و بی احساس نیستیم.

هرچند که همچنان این راه میانبر در پروسه تولید با نواقصی روبروست؛ مثلاً در صحنه ورود مادر بزرگ به بندر حیفا، نه خبری از شلوغی یک بندر در کوران خروج عده ای از اشغالگران و ورود دیگر اشغالگران هستیم و نه خود شخصیت با آن دست هایی که با فاصله از بدنش قرار دارند، دارای اناتومی یک پیرزن چمدان به دست به تصویر کشیده شده. شاید اگر در هنگام بازی به وزن آن چمدان توجه می شد و دو دستی گرفته می شد، یا چمدان سبک می بود ولی یک کیف دیگر به شانه دیگر مادر بزرگ آویزان می بود، این لحظه این چنین ناهنجار و متفاوت از بقیه بخش ها به نظر نمی رسید؛ و یا عدم توانایی استفاده از موشن کپچر برای متحرک سازی کودک که به نظر می رسد گاهی جذابیت های دیگر کار را تحت شعاع قرار می دهد.

جدای از همه نقدها و تمجید های فنی و داستانی که میتوان به چنین اثری داشت، اینکه بر خلاف دیگر تولیدات انیمیشن امسال کشور، سازندگان انیمیشن «بازمانده» تصمیم میگیرند تا محصول خود را بجای جشنواره فجر، به هر دلیلی ابتدا در یک جشنواره مردمی همچون عمار رونمایی کنند، از اقدامات قابل تحسین آنان است. این اقدام اگر به جهت گرفتن بازخورد از مخاطبان محل برگزاری جشنواره عمار، برای اصلاح اشکالات و ارائه نسخه ای کم نقص به جشنواره فجر بوده باشد، می تواند به نفع گروه سازنده تمام شود و چون به نظر میرسد سازندگان با عجله و سرعت تمام، تلاش کرده اند تا محصول خود را به جشنواره عمار برسانند و همین باعث کاستی هایی در رندر تصاویر و نواقصی در صدا گذاری شده است که هرچند محدود هستند اما کاملاً به چشم می آیند. امیدواریم در مدت زمان کوتاه باقیمانده تا اکران عمومی انیمیشن سینمایی «بازمانده» در جشنواره فجر، این ایرادات نیز برطرف شود و در نهایت با اثری کامل مواجه شویم که بخاطر ویژگی های منحصر به فردش می تواند مخاطبانی فراتر از اثر مرحوم «سیف الله داد» را در عرصه جهانی پای تماشای مظلومیت مردم فلسطین بنشانند.

انیمیشن بلند سینمایی «بازمانده» به کارگردانی احسان طاهری، به نوعی یک اقتباس تصویری از فیلمی با همین نام ساخته مرحوم سیف الله داد است. فیلمی که سالها پیش با حضور بازیگران عرب زبان ساخته شد و یکی از معدود آثار خوش ساخت و جذاب در موضوع فلسطین اشغالی به شمار می رود.

داستان کودکی به نام فرهان که پدر و مادرش در جریان خروج نیروهای انگلیسی از فلسطین و تحویل آن به رژیم صهیونیستی، به شهادت می رسند و این کودک به خانواده ای یهودی سپرده می شود.

انیمیشن «بازمانده» که با گرافیک سه بعدی رایانه ای ساخته شده، نسبت به نسخه سینمایی پیشین خود ۳۰ درصد داستان افزوده است که مجموعاً به قلم سید مهدی ابوهاشم به نگارش در آمده و مرکز پویانمایی صبا آن را در ۹۰ دقیقه تولید کرده است و قرار است پس از جشنواره عمار در جشنواره فیلم فجر نیز به رقابت بپردازد. گفته شده علاوه بر این نسخه سینمایی، با ادامه پیدا کردن داستان زندگی فرهان در قالب یک سریال تلویزیونی، شاهد رشد و پرورش یافتن او در گروه های مقاومت خواهیم بود.

طراحی های جذاب و بروز شخصیت های انیمیشن، رنگ و لعاب زیبایی اثر همراه با نورپردازی های چشم نواز، و استفاده از عناصر خیالپردازی در روایت باعث میشود تا حتی برای آنانی که نسخه اصلی فیلم را دیده اند هم تجربه ای لذت بخش و متفاوت از تماشای آن داستان تکراری رقم بخورد. و حتی در پاره از اوقات همچون تاکید فیلمنامه بر یک شخصیت منفی باعث پیش بردن بهتر آن نسبت به نسخه اصلی شود. به عنوان مثال سکانس های خواب مادر بزرگ فرهان و مکاشفه های شمعون صهیونیست، هم بیننده را با نوع تفکر و عقاید دو گروه از شخصیت ها بهتر آشنا میکند و هم شخصیت کودک فیلم را به عنوان قهرمانی مطرح میکند که روزی در آینده به جنگجویی بزرگ تبدیل خواهد شد و همین انگیزه ای میشود تا شخصیت منفی داستان به فکر تصاحب کودک و تبدیل کردنش به یک جنگجوی اسرائیلی بیافتد.

از دیگر نکات فنی قابل توجه اثر میتوان به استفاده از بازیگران تئاتر برای ایفای نقش شخصیت ها اشاره کرد. بازی های کاملاً متناسبی که توسط



از میر حسین تا جاسبی در یک مستند داستان ناگفته «جمهوری اسلامی»

سید مهدی دزفولی متولد ۱۳۶۷ در تهران و دارای مدرک کارشناسی فلسفه، از سال ۸۹ وارد عرصه فیلم سازی شد و با پژوهش درباره تاریخ معاصر و موضوعات سیاسی کشور، آثار مستندی در این زمینه تولید کرده است و هم اکنون با مستند «داستان ناتمام یک حزب» در ششمین دوره جشنواره مردمی فیلم عمار حضور دارد.

کردیم در این کار این اتفاق بیفتد و مقاطع حساس پس از آن مثل تعویض وزرا، اتفاقات درون حزب و اختلافاتی که در آن دوران بود را بررسی کنیم؛ موضوعاتی مثل دوره دوم نخست وزیری موسوی و ماجرای انحلال حزب در سال ۶۶ به دلیل اختلافات داخلی، از آن دست مواردی است که در مورد فعالیت حزب پرداخت چندان صورت نگرفته است؛ از این رو مستند «داستان ناتمام یک حزب» نگاه جدیدی به تاریخ آن دوره و اثری متفاوت به حساب می آید؛ البته شاید تا اواسط فیلم در آثار مرتبط با موضوع حزب اشاراتی وجود داشته اما نیمه دوم فیلم که از سال ۶۰ به بعد را روایت می کند کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

همچنین سعی ما بر این بود به افراد موثری که زیاد معرفی نشده اند بپردازیم، افرادی همچون شهید دیالمه و شهید آیت و نگاهی به مواضع آنها داشته باشیم و درباره برخی موضوعاتی که مردم اطلاع کمتری از آن دارند، شفاف سازی کنیم.

شیوه روایت این مستند به چه شکلی است؟

تم مستند به صورت مصاحبه محور است و برای تولید آن با افرادی مصاحبه کردیم که در مقاطع مختلف حزب حضور داشتند؛ افرادی همچون عبدالله جاسبی گرفته که قائم مقام دبیر کل بودند، جواد منصوری، فرشاد مومنی، حجت الاسلام حسین ابراهیمی و عبدالمجید معادی خواه؛ نظر افراد مختلفی از جمله ابراهیم یزدی، علیرضا بهشتی و سایر افراد مطلع را جویا شدیم تا آرشویی قوی جهت تولید این اثر داشته باشیم و در واقع قسمت سخت کار همین بخش بود.

تولید این مستند چقدر زمان برد؟

ساخت این مستند دو سال و نیم کشید و ما امیدواریم سال آینده نیز بتوانیم کتاب حزب را که ثمره تحقیقات ما پیرامون تولید مستند «داستان

چرا داستان ناتمام یک حزب؟

سال ۱۳۹۱ مشغول پژوهشی درباره تاریخ معاصر ایران شدیم و به دنبال تولید اثری بودیم که بتوان ده سال اول انقلاب را با آن مرور کرد؛ چرا که جالی خالی چنین آثاری به شدت احساس می شود از این رو ایده بازخوانی حزب جمهوری اسلامی به ذهنم رسید؛ چرا که هم حزبی فراگیر بود و هم ده سال اول انقلاب بحرانی بود که این حزب نقش مهمی در آن داشت. تا قبل از این در مورد حزب جمهوری اسلامی آثار زیادی چه مکتوب و چه تصویری تولید نشده بود، و آثار موجود هم مربوط به قبل از سال ۶۰ بودند و از این جهت موضوع بکری به حساب می آید.

در این مستند به کدام وقایع مرتبط با حزب جمهوری اسلامی اشاره کرده اید؟

در بازخوانی حزب جمهوری اسلامی سعی ما بر این بود که روی موضوعاتی که کمتر به آن پرداخته شده، هم از لحاظ فیلمسازی و هم تحقیقات و فعالیت پژوهشی، کار کنیم. شکل گیری حزب و شهدای آن به ویژه شهید بهشتی و همچنین مقاطع حساسی که حزب در آن ها نقش آفرینی کرده است از جمله اتفاقات سال ۶۰، ماجرای عزل بنی صدر، مسئله نخست وزیری میر حسین موسوی و موضوعاتی که مرتبط با جناح های چپ و راستی که در مجموعه دولت حضور داشتند را بررسی کردیم.

مستند شما چه ویژگی جدیدی نسبت به سایر آثار اعم از کتاب و فیلم هایی که به حزب جمهوری اسلامی پرداخته اند، دارد؟

اولا به خاطر اینکه اتفاقات بعد از سال ۶۰ را بررسی کردیم مورد اهمیت است چرا که معمولا خیلی از آثار نوشته شده و یا فیلم های تولید شده در مورد شهدای حزب، به مقاطع بعد از سال ۶۰ نمی پردازد و ما سعی

موضوعاتی مثل دوره دوم نخست وزیری

موسوی و ماجرای انحلال حزب در سال ۶۶ به

دلیل اختلافات داخلی، از آن دست مواردی

است که در مورد فعالیت حزب پرداخت چندان

صورت نگرفته است



راکتورهای زیر زمینی و سؤالاتی از چهره های معروف

«راکتورهای زیر زمینی» نام مستندی است که گروهی از جوانان ایرانی به صورت خودجوش اقدام به تولید آن کرده اند. مستندی درباره ایرانیان که خود را برای نبرد با رژیم صهیونیستی آماده می کنند.

مستند «راکتورهای زیر زمینی» در خلال به تصویر کشیدن امنیت حاکم در ایران به واکنش جوانان ایرانی به تهدید غربی ها برای حمله به خاک ایران می پردازد.

بخش اول «راکتورهای زیر زمینی» به مسئله امنیت موجود در کشور از نگاه افراد و سلاطین مختلف می پردازد. بخش دوم فیلم هم به تهدیدات علیه ایران اشاره دارد و این سوال مطرح می شود که در صورت حمله احتمالی واکنش مردم به خصوص جوانان نسبت به دفاع از کشور چه خواهد بود که مخاطبان با پاسخ های جالبی رو به رو می شوند.

در این مستند از چهره هایی از جمله حامد زمانی، عباس غزالی، دکتر سیامک مصدق نماینده یهودیان در مجلس شورای اسلامی نیز مصاحبه هایی انجام شده است.



مصدق در جشنواره عمار محاکمه می شود

احسان عمادی مستند سازی است که در کانامه او فعالیت های مطبوعاتی، تجربه پژوهش و نویسندگی چندین فیلم مستند نیز به چشم می خورد.

مستند «محاکمه» اولین تجربه کارگردانی سید احسان عمادی است که در آن بر اتفاقات شب کودتا تا دادگاه بدوی دکتر محمد مصدق تمرکز شده است.

«محاکمه» مستندی است گیرا که پرده از چهره دیده نشده یکی از تأثیر گذارترین سیاستمداران تاریخ معاصر ایران برمی دارد. در روایت تصویری خود از عکس های ناب و فیلم های آرشیوی تازه استفاده می کند و هر جا احساس کند که کمبود منابع بصری بیننده اش را از دنبال کردن درگیرانه با درام دور می کند، اتفاقات را در قالب تصویرسازی و نقاشی های حرفه ای در مقابل چشمان بیننده اش به نمایش می گذارد.

یک حزب ناتمام» رونمایی کنیم؛ البته قبلا مصاحبه های تولید شده در این مستند را به صورت مکتوب در نشریات و سایت ها منتشر کردیم تا بازخوانی خوبی از شهدای حزب جمهوری اسلامی و فعالیت های آن بعد از نزدیک به ۳۰ سال، در میان مردم صورت گیرد.

در سال های اخیر شاهد مستندهایی هستیم که معطوف به سال های اول انقلاب است، دلیل آن را چه می دانید؟

به نظر من یکی از برکات اتفاقات سال ۸۸ این بود که نگاهی دوباره سال های اول انقلاب صورت گرفت، چرا که تا قبل از آن مسائل بسیاری از دید مردم پنهان مانده بود و اساسا شروع فعالیت های جشنواره عمار نیز پس از آن صورت گرفت و یکی از اهدافش بازخوانی تاریخ انقلاب بود؛ بیشترین دلیل اتفاقات سال ۸۸ به بی اطلاعی جامعه برمی گشت که نمی دانستند چه اتفاقاتی در جامعه رخ داده و آن افراد چه عقبه ای در تاریخ انقلاب داشتند.

باز خورد مردم رانسبت به چنین آثاری چگونه دیدید؟

مستندهای تاریخی-سیاسی شاهد استقبال خوبی از سوی مخاطبان داشته چرا که جریان شناسی را به مردم می آموزد و آنها را با خط فکری افراد و چهره های سیاسی و تاریخی آشنا می کند و این مهم سبب می شود تا دگر باره دچار مشکلاتی مشابه سال ۸۸ نشویم و انحرافات موجود را بهتر بشناسیم.

نظر شما درباره جشنواره عمار و نوع فعالیت های آن چیست؟

از سال ۸۹ با شروع جشنواره عمار، با آن آشنا بودم، جشنواره فیلم عمار بعد از چند دوره شاهد رشد چشمگیری در کیفیت و کمیت آثار بوده و علاوه بر آن، استقبال مردم سبب شد تا بخش هایی نظیر پوستر، نماهنگ و... به آن اضافه شود.

در حقیقت خلا جشنواره ای مثل عمار و فیلم سازی اسلامی در جامعه احساس می شد و همین امر سبب نفوذ جشنواره عمار در درون خانواده شده چرا که تا چند سال قبل، جشنواره ها بیشتر شبه روشنفکری بودند و اساسا با بدنه جامعه کاری نداشته و طیف خاصی را پوشش می دادند؛ در این بین جشنواره عمار توانسته بخش وسیعی از جامعه را پوشش دهد و امسال که ششمین سال آن است نسبت به ۵ سال گذشته رشد چشمگیری داشته است، هر چند که ممکن است کم لطفی هایی از سوی مسئولان مربوطه به جشنواره بشود اما به لطف خدا، مسئولان جشنواره عمار با عزم جزم مسیر خود را با موفقیت ادامه می دهند.

نکته دیگری که باید اضافه کنم، در خصوص اکران مردمی است؛ بسیاری از خانواده ها با سینما فاصله گرفته اند و این مسئله در خانواده های مذهبی بیشتر است؛ از این رو ایجاد ارتباط بین مردم و سینما امری ضروری است.

خوشبختانه اکران های مردمی جشنواره عمار توانسته افراد دغدغه مند را به سوی خود جذب کند و واز آنجا که محوریت فیلم های جشنواره عمار ارزش ها و آرمان های انقلاب اسلامی است سبب ایجاد رابطه بین مردم به ویژه نسل جوان و انقلاب شود که متأسفانه در جشنواره های دیگر چنین چیزی وجود نداشت و امیدوارم در آینده جریان فکری سالم مسیر هنری و سینمایی کشور را پیش ببرد.

گفت‌وگو با میرشکاری اکران‌کننده عمار در بوشهر

وقتی عمار ماهواره‌های روستا را خاموش کرد



میرشکاری رابط اکران‌کننده‌های استان بوشهر است. بیشتر از او درباره افتتاحیه و اختتامیه عمار در بوشهر پرسیدیم، اگرچه اکران‌های جذاب دیگری هم داشت. زیباترین خاطره او جمع شدن ماهواره‌های یک روستا است که به خاطر اکران یکی از مستندهای عمار رخ داده است.

اوایل پیگیری برای جذب اکران‌کننده هم می‌کردیم، بعد از این که جشنواره فراگیر شد، دیگر خود افراد بودند که برای اکران به من زنگ می‌زدند. الان در همه شهرستان‌های استان و حتی تعدادی از روستاها رابط داریم.

عمار به سبک بوشهری‌ها

دی ماه ۹۱ همزمان با جشنواره سوم عمار، آقای خالقی که کارگردان فیلم «هم‌زبانی و بی‌زبانی» و یکی دو کار در مورد فتنه هستند و یک کار بلند هم راجع به انجمن حج‌تیه دارند، به بوشهر دعوت شدند و فیلم‌هایشان در حضور خود ایشان پخش شد. سال اول استقبال نسبتاً کم بود و فقط صندلی‌های جلوی سینما پر شد.

سال بعد که تجربه پیدا کردیم، هم تبلیغات بهتری انجام دادیم، هم از فیلمساز شهرمان تقدیر کرده و هم از دو شخصیت هنری و انقلابی استان یاد کردیم. در افتتاحیه یکی از هم‌زمان شهید کشتکار که شهید شاخص سال بود را دعوت کردیم که خاطراتی از ایشان را روایت کردند و کلیپی از آثارش نمایش داده شد. شهید کشتکار معلم پرورشی بوده و تئاترهای معروفی اجرا کرده بود. تئاتری به نام «لالو» برگزار می‌کردند که موقع

اجرای آن سیل جمعیت از شهرستان خودشان یعنی برازجان به جبهه‌ها اعزام می‌شدند، یکی از برادرهای ایشان را دعوت کردیم که ایشان خبر دادند که کتاب خاطرات ایشان در دست جمع‌آوری است. از دست ایشان هدیه‌ای به کارگردان فیلم «حنانه» که از استعدادهای شهرمان بود، تقدیم شد. ما از این دوره پخش فیلم‌های بچه‌های استان را باب

کلیبی تاثیرگذار

اولین بار از زبان دوستان اسم جشنواره عمار را شنیدم، این گوشه ذهنم بود تا اینکه دیدم دوستان در کتابسرای باران که مرکز توزیع محصولات جبهه فرهنگی انقلاب در بوشهر است، مشغول توزیع پوسته‌های جشنواره هستند. کمکی به آن‌ها دادم و از سال سوم جشنواره بود که به عنوان اکران‌کننده، شروع به اکران فیلم‌های عمار کردم. اولین بار انیمیشن «شکار جاسوس» در مورد شهید بهنام محمدی و کلیپ «بابا خون داد» را در روستای خودمان که هر ماه چند روز به آنجا می‌فتم، اکران کردم. بچه‌های روستا خیلی استقبال کردند و بعد از آن از سرو کولم بالا می‌رفتند که برایشان فیلم نشان دهم. یک بار هم بعد از نمایش «بابا خون داد» در یکی از مساجد، بچه‌ها بعد از تمام شدن کلیپ تشویق زیادی کردند و سؤال می‌کردند که آیا داستان این فیلم واقعی است یا نه؟ به نظرم یکی از بهترین آثاری که هر کجا پخش کردیم فوق العاده تاثیرگذار بوده، همین کلیپ است.

از منزل تا دانشگاه

بعد از مدتی همکاری چون خیلی پیگیر بودم فیلم‌ها را بفرستند، به من گفتند: «شما می‌توانید فیلم‌ها را در بوشهر توزیع کنید؟» که من هم قبول کردم و به عنوان رابط، فیلم‌ها را در کل استان بوشهر توزیع می‌کردم. تاکنون در جاهایی مثل منزل میرعلمدار، پارک شهاب بوشهر، دانشگاه خلیج فارس، تعدادی از مدرسه‌ها و مسجدهای مختلف بوشهر فیلم‌های عمار پخش شده‌اند. فیلم «لکه» هم در یکی از دانشگاه‌ها اکران شد.

پس از پخش فیلم «بشقاب‌های خالی» در مورد

آسیب‌های ماهواره و تقاضای بچه‌ها از والدین

خود و همچنین توضیحات مسئولان کانون

خانواده‌ها ماهواره‌های خود را تحویل دادند.





از آقای صادق رسولی هم تقدیر کردیم که مستند خوبی در مورد همسر شهید حبیب خلعتی ساخته و زندگی ایشان را از آشنایی تا شهادت و بعد از آن روایت کرده بودند. طوری که آقای صادق رسولی گفتند جزو اولین نیروهای دریایی ما بودند که به دست آمریکا کشته می شوند. همسر شهید در سنگری که برای آن ها زده بودند، با شوهرشان زندگی می کردند، در واقع هم می جنگیدند و هم زندگی می کردند. آقای رسولی این سوژه را فیلم مستندی کرده بودند به اسم «تنها نیستیم». از مادر شهید صادق گنجی دعوت کرده و جایزه را با دست ایشان به این فیلمساز دادیم.

تحويل ماهواره ها

بچه های روستای «دویره» در ۳۰ کیلومتری بوشهر، فیلم «بشقاب های خالی» را در مسجد پخش کرده بودند. این مستند در مورد تأثیرات ماهواره است. بچه ها تحت تأثیر قرار می گیرند. خودشان به آن مسئول مراجعه می کنند که ما دیگر نمی خواهیم ماهواره ببینیم، ولی خانواده هایمان قانع نمی شوند و نگاه می کنند. بچه های مسجد به فکر می افتند که خانواده ها را دعوت کنند. بعد از پخش فیلم، مسئول کانون راجع به آسیب های ماهواره توضیح می دهد و خانواده ها تحت تأثیر قرار می گیرند. بدون این که بدانند آنتن های دیجیتالی هست یا نیست، می گویند ما می خواهیم ماهواره را تحويل بدهیم و ۲۶ خانواده در روستا ماهواره ها را تحويل می دهند. بعد از تحويل مسئول کانون با بسیج پیگیری می کنند و به ۱۶-۱۷ خانواده دستگاه های دیجیتال با یک جلد کلام الله مجید، یک بسته سواد رسانه ای و یک هدیه فرهنگی هدیه می کنند و الان در حال تهیه مستندی از همین موضوع هستیم.

کردیم، چون استان ما فیلمساز خوب کم ندارند. شب آخر در همین دوره چهارم عمار هم از شاعر انقلابی، حاج خلیل عمرانانی که برای فتنه هم شعر گفته و تازه به رحمت خدا رفته بودند یاد شد و از خانواده ایشان دعوت کردیم و به جشنواره آمدند. از عوامل فیلم «تنهای تنهای تنها» هم در آن شب تقدیر شد.

مهمان حساسی

مهمان ویژه ما در جشنواره چهارم آقای محسن اسلام زاده بودند که در مراسم ما صحبت کردند. فیلمی از ایشان که راجع به وقایع سوریه بود را پخش کردیم. حساسی با ایشان رفیق شدیم، بچه های ما هنوز با ایشان ارتباط دارند و برای کارهایشان مشاوره می گیرند. حاج محسن هنوز خیلی ما را تحويل می گیرند، حتی مرکز میثاق هم رفتیم و با دوستانی مثل آقای سعید و وحید فرجی و بقیه دوستان ایشان آشنا شدیم. آن موقع مشغول مراحل تصویربرداری و ساخت «اهل سنت ایران» بودند. اسلام زاده قبل از مراسم در حوزه علمیه بوشهر صحبتی راجع به این همین موضوع کرد. شب تعداد زیادی از طلبه ها از جمله رئیس حوزه علمیه به سینما آمدند، ظاهراً آقا محسن از آن ها دعوت کرده بود.

از دست مادر شهید

یک موسسه فرهنگی در استان وارد کار خاطرات شفاهی شده و یکی از کارهایی که کرده بودند جمع آوری کتاب شهدای روستا بود. ایشان در حوزه ایثار و شهادت خوب فعالیت کرده و در جشنواره پنجم عمار از آن ها تقدیر کردیم. اگر ما آن ها را تشویق کنیم یا نکنیم آن ها کار خودشان را به نحو احسن انجام می دهند ولی ما با این کار به الگو شدن این مجموعه نسبت به بقیه مجموعه ها کمک کردیم.



شهید نوروزی به روایت ضیایی

وقتی «شیر سامرا» از همه چیزش گذشت

علیرضا ضیایی ۳۲ ساله، دارای مدرک کارشناسی روابط عمومی و اهل کرمانشاه است. از سال ۱۳۸۴ فیلم سازی را شروع کرده و از سال ۸۹ با شرکت در دوره فیلم سازی انجمن سینمای جوان کرمانشاه کارش را ادامه داده است؛ ضیایی فیلم های داستانی «خواب برف»، «فرار»، «انگار»، «فریم» و مستندهای «شیرین فرهاد»، «مردی برای تمام فصول»، «سفید سیاه خاکستری»، «سایه نشین ها» و «شیر سامرا» را ساخته و فیلم نامه آنها نیز متعلق به خود اوست. ضیایی با مستند «سفید سیاه خاکستری» توانست مقام سوم جشنواره خانواده و اعتیاد را در سال ۹۱ و با مستند «شیر سامرا» مقام برگزیده جشنواره ساکنس بیداری کرمانشاه در سال ۹۴ را از آن خود کند.

فیلم های عمار دیده شوند و به این وسیله بسیاری از علایق ناشناخته سینمایی آشکار شوند.

ضیایی پیرامون وضعیت سینمای ایران خاطر نشان کرد: با وجود اینکه فیلم سازان جوان ایده های نو و جالب توجهی دارند اما در سینمای ایران فیلم سازان جوان چندان حمایت نمی شوند.

وی افزود: فیلم نامه های زیادی هستند که چندین سال به خاطر حمایت نشدن ساخته نمی شوند و وقتی در شرایط سختی ساخته می شود و در جشنواره های خارجی شرکت می کنند، تهیه کننده های داخلی به سراغ فیلم ساز می روند؛ در حالی که تهیه کننده باید در جریان ساخت فیلم در کنار فیلم ساز باشد و او را حمایت کند.

این مستندساز ادامه داد: نسل قدیم سینماگران نزد ما محترم هستند اما این فیلم سازان جوان اند که قرار است آینده سینمای ایران را بسازند و لازم است از این جوانان حمایت کنند.

ضیایی درباره نقش جشنواره عمار در این میان تصریح کرد: جشنواره عمار می تواند با اعلام تاریخ جشنواره از چندین ماه قبل و با حمایت از فیلم سازان جوانی که به دنبال یک پشتیبان مالی هستند، به سینمای ایران کمک کند و یکی از موفق ترین جشنواره ها باشد.

وی در پاسخ سوالی درباره موضوعات مغفول سینمای ایران گفت: اکنون بعضی جوانان ما با ارزش های حقیقی بیگانه اند و تعریف درستی از ارزش ها ندارند و لازم است در فیلم ها بیشتر به این ارزش ها پرداخته شود.

ضیایی درباره فعالیت های آینده خود اظهار داشت: اکنون دو طرح مستند دارم که یکی از آنها درباره وضعیت مناطق جنگی سوریه و مردم آنجا و دیگری پیرامون غاری است با آثاری از عصر یخبندان که در کرمانشاه کشف شده است و به خاطر مسائل مالی هنوز نتوانسته ام آنها را بسازم.

علیرضا ضیایی کارگردان مستند «شیر سامرا» در گفت و گو با خبرنگار «نشریه روزانه جشنواره مردمی فیلم عمار»، با اشاره حضور این مستند در ششمین دوره جشنواره عمار، گفت: در این مستند به جنایت های گروهک تکفیری داعش و نحوه شکل گیری آن و زندگی شهید مدافع حرم، مهدی نوروزی که در مبارزه با این گروهک تکفیری در سامرا به شهادت رسیده، پرداخته شده است.

وی با بیان اینکه شهید نوروزی از کودکی به مناطق جنگی علاقه داشت و با اصرار از خانواده می خواست او را به این مناطق ببرد، اظهار داشت: از آنجا که برخی تصورات وارونه ای درباره شهدا دارند، هدفم شناساندن شهدا به نسل جوان بود و می خواستم نشان دهم چگونه شخصی با وجود زن و فرزند و زندگی ایده آل، در راه اعتقادش از همه این امکانات می گذرد و جان خویش را در این راه فدا می کند.

کارگردان «شیر سامرا» با اشاره به همراهی عوامل مستند با خانواده شهید نوروزی پس از شنیدن خبر شهادت ایشان، بیان داشت: خانواده شهید نوروزی با وجود شرایط سختی که داشتند همواره پشتیبان ما بودند و از هیچ کمکی دریغ نکردند.

ضیایی، با بیان اینکه از طریق انجمن سینمای جوان با جشنواره عمار آشنا شده است، تصریح کرد: فراخوان جشنواره عمار در زمان مناسبی انجام شد و جشنواره عمار ظرفیت شناساندن ارزشها را به نسل جوان دارد؛ از طرف دیگر حضور فیلم سازان از کشورهای دیگر باعث می شود فیلم سازان ایرانی با آنها آشنا شده و آنها نیز در کشور ما شناخته شوند. وی اکران های مردمی عمار را یک حرکت فرهنگی جالب توصیف کرد و افزود: در حالی که اکران بیشتر جشنواره ها منحصر در محل برگزاری آنهاست این کار باعث می شود حتی در نقاطی که سینمایی وجود ندارد،



«آنجا، آنها...»

نخستین دوربین در پادگان اشرف

یحیی رضایی متولد ۱۳۶۴ دارای مدرک دیپلم فنی از دانشکده صدا و سیما و کارشناسی تدوین از دانشگاه سوره است. او سالهاست به صورت تخصصی در عرصه تصویربرداری فعالیت می‌کند که «مادرکشی» نمونه‌ای از آن است و برای اولین بار مستندی را به نام «آنجا، آنها...» کارگردانی کرده که در جشنواره عمار هم شرکت داده شده است.

وی در ادامه با اشاره به هدف ساخت مستند افزود: ما در کشورمان اپوزیسیون‌هایی داریم که هر کدام دارای تفکر متفاوتی هستند؛ مجاهدین خلق هم از همین دسته است که دارای عقاید و ادعاهای خاصی است؛ ما هم موظفیم که به عقاید پوچ این افراد بپردازیم تا اگر در جامعه کسی برایش شبهه‌ای در مورد منافقین پیش آمد، با روشنگری ما به سرعت شبهه‌اش رفع شود و این بلا دامن‌گیرش نشود.

یحیی رضایی ضمن اشاره به اینکه از دوره اول با برگزارکنندگان عمار آشنا بوده و از ابتدای دوره اول با جشنواره همکاری داشته افزود: مسیر پیشرفت جشنواره عمار بسیار خوب بوده و فقط نیاز به کیفی‌سازی دارد، اگر طوری پیش برود که آثار صرفاً برای عمار ساخته شود، تأثیر بیشتری خواهد داشت و نتایج خوبی در انتظار جشنواره عمار خواهد بود. وی در ادامه با اشاره به اکران‌های مردمی افزود: اکران‌های مردمی فکری بسیار خلاقانه و نو است، اکران‌های مردمی باعث می‌شود آدم‌هایی که شاید در عمرشان به سینما نرفته باشند و لزوم رفتن به سینما را هیچ وقت احساس نکرده‌اند و دلایل مختلفی هم می‌تواند داشته باشد؛ با اکران‌های مردمی می‌توان این افراد را با سینما آشتی داد و آنها بتوانند فیلم‌های خوب را تماشا کنند.

کارگردان «آنجا، آنها...» در پایان بیان کرد: مستندی که در حال تصویربرداری آن هستم، مستندی است با موضوع اتفاقات منطقه و جنگ در سوریه و در این کشور در حال تصویربرداری هستیم.

یحیی رضایی کارگردان مستند «آنجا، آنها...» در گفت‌وگو با خبرنگار «نشریه روزانه جشنواره مردمی فیلم عمار» با اشاره به موضوع مستند، گفت: این مستند روایت زندگی شخصی به نام علی محمد خاتمی است که در اوایل جوانی در جنگ تحمیلی سرباز بوده و پس از اتمام سربازی به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل باز می‌گردد و به دست گروهک مجاهدین خلق اسیر می‌شود، و به دلیل اینکه تعدادی از مجاهدین را به درک واصل کرده بود و اسنادش هم برای مجاهدین وجود داشت، به او می‌گویند یا به مجاهدین خلق بپیوند و یا کشته می‌شود و او هم از ترس جان به گروهک منافقین ملحق می‌شود و در حدود ۲۰ سال آنجا می‌ماند؛ عمده استفاده‌ای که در این ۲۰ سال از او می‌شود در بخش‌های اجرایی بوده و ابتدا در موضوعات محتوایی آن را شرکت نمی‌دهند و در سال ۲۰۰۳ که آمریکا پادگان اشرف را به تصرف خود در می‌آورد علی رغم ترسی که داشت، تصمیم می‌گیرد در جایگاهی از پادگان اشرف به لبی‌تری فرار کند که موفق شده و به پس از مدتی که در قرنطینه بوده به زندگی سابق خود باز می‌گردد.

کارگردان «آنجا، آنها...» تأکید کرد: در این مستند برای اولین بار دوربین وارد پادگان اشرف شد و به زوایای پنهانی پی بردم و سعی کردم علاوه بر مرور زندگی علی محمد خاتمی در خلال مستند به معرفی منافقین و بررسی اندیشه‌های آنها بپردازم که با تصاویری منتشر نشده جذاب بودن مستند بیشتری شود.



چهار هزار کلمه در چهار دقیقه

سید حامد قاسمی، کارشناس ارشد مدیریت رسانه و دانش آموخته مطالعات استراتژیک است، او که به همراه علی رهجو کارگردانی مجموعه الگوی معیشت را انجام داده از فعالان حوزه موشن گرافیک است، تا به حال آثار بسیاری را در این زمینه به تولید رسانده است. این گروه هنری تا به حال تولیداتی در زمینه های دیگر از جمله ایالت متحده، زنان و خانواده و خشونت علیه زنان در سطح بین المللی را در کارنامه هنری خود داشته اند. «پول معتبر یا بی ارزش» عنوان یکی از آثار این گروه هنری است که در آن به نقش پول در معاملات مردم پرداخته و نحوه ارزش گذاری آن را مورد بررسی قرار می دهد.

چراموشن گرافی

اساساً فعالیت های ما مبنای فعالیت مطالعاتی و اندیشه ای بوده و هست و انتخاب یک رسانه مناسب برای این که ما بتوانیم این محتوا تولید شده و اندیشه تولید شده را در حقیقت به جامعه برسانیم یک امر مهمی بود و ما باید در این مسیر حرکت می کردیم.

امروز خیلی از فعالیت ها به صورت مطالعاتی و اندیشه ای صورت می گیرد و در نهایت در مقالات و کتاب ها حبس می شود و ارتباط بین این مطالب تولید شده و محتواها با جامعه برقرار نمی شود.

ما در بین رسانه ها سعی کردیم رسانه ای را انتخاب کنیم تا بتوانیم محتوایمان را از طریق آن رسانه به مخاطب برساند؛ رسانه ای که در مجموعه شرکت داده شده در جشنواره براساس آن ساخته شده از نظر

ما رسانه مطلوبی بود که می توانست محتوای حتی علمی و اندیشه ای سطح بالا را با تلاشی که در حقیقت تیم تولید می کنند به زبان ساده برای مخاطب توضیح بدهد و زبان ساده به مخاطب منتقل کند اما انجام خود فعالیت اندیشه ای و پژوهشی در یک سوی ماجرا قرار دارد و این که ما بتوانیم این محتوای تولید شده را به زبان ساده ترجمه کنیم و از طریق رسانه انتقال بدهیم در سوی دیگر ماجرا است که این روند، روندی بود که ما براساس مطالعاتمان روی این رسانه و روند تجربی که طی شد در چندین سال گذشته به دست آوردیم.

آثارارسالی به جشنواره عمار

اصلاح الگوی معیشت مجموعه سی قسمتی است که در آن به دنبال این بودیم تا به مخاطب در حقیقت نشان دهد که اسلام برای اداره معیشت و اداره زندگی دارای نظام مشخص معیشتی است و اساساً یک الگوی کامل دارد و آن الگویی است که می شود یک جامعه را به طور کامل با آن اداره کرد.

ما امروز در چالش با الگوی معیشت غرب در سطح اقتصاد در کشور

هستیم و مشکلات و معضلات بسیاری در این زمینه به وجود آمده است و براساس مطالعاتی که داشتیم و اقداماتی که از لحاظ اندیشه ای و پژوهشی بر روی الگوی معیشت اسلام انجام دادیم، به دنبال این بودیم تا توصیه هایی در مورد معیشت و اقتصاد در اسلام به مخاطب ارائه دهیم، مسئله ای که مورد غفلت واقع شده است.

نحوه تولید محتوا و تحقیق چگونه بود؟

در مورد نحوه تحقیق این چنین بود که در ابتدا یک نشست مقدماتی برگزار می شد و حیطه های مطالعاتی، حوزه های تحقیقاتی و منابعی که باید جهت استنباط به سراغ آن ها می رفتیم مشخص می شد و در مجموع محورهای اصلی و رویکردهای اصلی در پرداختن به آن موضوع در

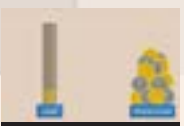
این جلسات تعیین می شد

پس از نشست های مقدماتی در تیم پژوهش، شروع به تحقیق و بررسی در متون مختلف به فراخور موضوع صورت می گرفت.

وقتی ما در موضوع الگوی معیشت اسلام بحث می کنیم، به متون اصلی دینی در صدر آن ها قرآن، متون روایی و احادیث دیگر مراجعه می شود و علاوه بر آن چون بحث ها در حوزه های مختلف به صورت تطبیقی با الگوی معیشت غرب بحث می شود؛ اما در تطبیق ما سراغ منابع علمی موجود در حوزه اقتصاد و منابع روز و منابعی که امروز دانشمندان غربی در حوزه مسائل معیشتی تولید می کنند می رویم.

تقریباً برای هر مجموعه ای، که ما کار می کردیم بعد از حدود یک هفته تا ده روز تحقیقات مستمر برای جمع بندی چند نشست برگزار می کردیم و براساس محتواهای جمع آوری شده و محورهای مورد نظر شاکل کلی را شکل می دادیم و تقریباً به یک مقاله تقریباً دو هزار کلمه ای تا چهار هزار کلمه ای می رسیدیم و در جمع بندی تحقیقات و در مراحل بعدی این مقاله دو هزار تا چهار هزار کلمه ای که کاملاً هم علمی بود را طی یک فرایند نگارش به یک متن ششصد کلمه ای با ادبیات ساده تبدیل کنیم.

این یک فرآیند سخت و پیچیده بود علاوه براین که تعداد گزاره هایی که در این فرآیند جمع آوری می شد و در کنار هم قرار می گرفت خیلی بیشتر از آن چیزی بود که باید در یک چهار دقیقه بحث می شد و این که ما چه گزاره هایی را انتخاب کنیم و در کنار هم قرار بدهیم تا بیشترین و کامل ترین بحث را در عین خلاصه بودن ارائه بکنیم، چالش مهمی بود





شود گفت، افراد برای ورود به جشنواره های بزرگ باید در یک سطح خاصی قرار داشته باشند، اما جشنواره عمار این امکان را فراهم می‌کند تا هر فردی که توانمندی حداقلی در خودش می‌بیند به سمت فضای رسانه ای قدم بردارد و در این جشنواره شرکت کند.

جشنواره عمار این جرأت را به بسیاری از علاقه مندان داده است تا در این بستر، استعداد خود را شکوفا کنند و فکر و اندیشه خود را متوقف نکنند در واقع عمومی کردن و باز کردن حیطه رسانه، و استقبال از کسانی که می‌توانند فکر و اندیشه را در رسانه‌های مختلف به دیگران منتقل کنند در جشنواره عمار به خوبی اتفاق می‌افتد و در حقیقت این زمینه مناسبی برای حضور جوانان و حضور کسانی است که ابتدای راه هستند.

البته کارهای بسیار برجسته‌ای هم در این جشنواره وجود دارد و در چند سال گذشته به جشنواره عمار می‌آید و همان استعدادهایی که در ابتدای جشنواره شاید قدم‌های اول را لرزان برمی‌داشتند می‌بینیم که امروز قدم‌های محکم‌تری برمی‌دارند.

اکران های مردمی را تا چه میزان در آشتی مردم با سینما مؤثر می‌دانید؟

در شرایطی که ما می‌بینیم سینماها امروز از اقبال عمومی برخوردار نیستند و فیلم‌ها آنقدر که باید مورد استقبال مردم قرار نمی‌گیرند. از طرف دیگر می‌بینیم که جشنواره عمار با حضور در میان مردم و با اکران‌های عمومی مسیر جدیدی باز کرده و ارتباط نزدیکی را با عموم جامعه برقرار کرده لذا اکران های مردمی هر چقدر بتواند گسترش پیدا کند قطعاً آن رسانه‌ای که مدنظر تولیدکنندگان بوده در جامعه گسترش پیدا می‌کند.

اساساً رسانه را بین تولید کننده پیام و مخاطب تعریف می‌کنیم حالا این رسانه وقتی توسط جشنواره عمار گسترش پیدا می‌کند تا دورترین روستاها و شهرهای مختلف گسترش پیدا می‌کند و ما فقط یک قشر خاص از جامعه را نمی‌بینیم که با رسانه در ارتباط باشند، این گسترش رسانه‌ای در اقشار مختلف جامعه می‌تواند فضای انتقال گفتمان انقلاب اسلامی را بیش از پیش فراهم کند.

این یک فرآیند سخت و پیچیده بود علاوه بر این که تعداد گزاره‌هایی که در این فرآیند جمع آوری می‌شد و در کنار هم قرار می‌گرفت خیلی بیشتر از آن چیزی بود که باید در یک چهار دقیقه بحث می‌شد و این که ما چه گزاره‌هایی را انتخاب کنیم و در کنار هم قرار بدهیم تا بیشترین و کامل‌ترین بحث را در عین خلاصه بودن ارائه بکنیم، چالش مهمی بود که در حقیقت تیم نگارش وقت بسیاری را به آن اختصاص می‌داد و متن‌ها بارها بررسی و بازخوانی می‌شد.

در خیلی از موارد بحمدالله آن چیزی که ما طراحی کرده بودیم همان را مخاطب دریافت کرده بود و این از چینش‌های مناسب گزاره‌ها در کنار هم حاصل می‌شد و فرآیندی بود که ما توانستیم برای هر قسمت صورت بدهیم و به محتوای در حقیقت مورد نیازمان برای فرآیند تولید برسیم.

صحبتی برای تازه واردان

یک نکته بسیار مهم قبل از این که هر حرکت رسانه‌ای اتفاق بیفتد وجود دارد و آن این است که شخصی که می‌خواهد در این زمینه حرکت کند باید محتوا و پیام مناسب را تولید کرده باشد و باید قبل از آشنایی با تکنیک بدانند چه می‌خواهد بگوید.

وقتی اندیشه وجود داشته باشد محصول رسانه‌ای با تکنیک‌های مختلف قابلیت تولید دارد و از لحاظ تکنیکی و از لحاظ فرم ما خیلی راحت می‌توانیم حرکت کنیم و رشد کنیم اما قبل از آن مهم این است که آن اندیشه و آن فکر تولید شده باشد و وجود داشته باشد.

دوستانی که در این عرصه وارد می‌شوند اساساً باید در سطح خوبی از مطالعات و معلومات قرار گرفته باشند به قول معروف این اندیشه و فکر باید در ظرفیت وجودی آن‌ها لبریز شده باشد تا لبریزش بتواند به دیگران برسد اگر کارهایی تولید شود که محتوای ضعیفی داشته باشد هر چقدر هم تکنیک، فرم و جلوه‌های ویژه میدانی بیاید نمی‌تواند آن محتوای ضعیف را بپوشاند و ضعف کار را جبران کند اما وقتی محتوا ارزشمند باشد آرام آرام در حوزه تکنیک و فرم می‌تواند کار پیش برود و کار پر محتوا و غنی از لحاظ اندیشه و فکر قطعاً بهتر می‌تواند رشد کند.

در مورد جشنواره عمار

وقتی جشنواره عمار را با دیگر جشنواره‌ها مقایسه می‌کنیم، می‌

الفت نسب:

«ننه صنوبر»؛ تلخ اما ضروری

«رضا الفت نسب» کارگردان اثر ننه صنوبر، از ۱۲ سالگی فعالیت های خود را با بازی در آثار نمایشی آغاز کرد و دایره فعالیت هنری خود را رفته رفته گسترش بخشید و پس از گذراندن دوره های تخصصی فیلمسازی وارد عرصه کارگردانی شد. فیلم کوتاه داستانی ننه صنوبر آخرین ساخته رضا الفت نسب در جایگاه کارگردان است که قصه مادری را روایت می کند که در انتظار پسر مفقودالآثرش که سال های قبل به جنگ رفته می باشد به امید اینکه روزی پسرش به همان جا برگردد، مکان زندگی خود را تغییر نمی دهد

چه شد که این سوژه را انتخاب کردید؟

فیلمنامه «ننه صنوبر» تقریباً اواخر دی ماه سال گذشته به رشته تحریر در آمد و زمان فیلمبرداری رفته رفته عقب افتاد، تا این که مصادف شد با تشییع پیکر شهدای غواص در تهران و ما پلان های آخرمان را همزمان با تشییع پیکر این شهدا گرفتیم. و دلیل انتخاب این قصه برای روایت کردن نیز این بود که دیدم خانواده های شهدا در روزمرگی جامعه تا حدودی به دست فراموشی سپرده شده اند،

به عنوان کارگردان اثر از خروجی کار راضی بودید؟

در اثر «ننه صنوبر» نسبت به کار نخست پیشرفت های بسیاری داشتم و خودم هم به عنوان کارگردان راضی تر بودم و این مسئله عوامل بسیاری دارد از جمله این که ما در این اثر از بازیگر حرفه ای استفاده کردیم اما در مجموع نیز می توانست اثر بهتر از این باشد. خوشبختانه پس از تدوین کار بازخورد های خوبی داشتیم و تا به حال بیش از ۱۰ هزار دائلود از طریق اینترنت برای اترانجام شده است.

با توجه به این مسئله که تاکنون آثاری در زمینه مادران شهدا ساخته شد، اثر «ننه صنوبر» تا چه میزان توانسته نگاهی جدید به این مسئله را به مخاطب ارائه دهد؟

من فکر می کنم نسل سوم که از جنگ تنها صدای آژیر و گلوله را در ذهن از جنگ تصور می کند، سعی می کند زمان حال خود را بررسی کند و مواجهه ی خود با آثار و سوژه های دفاع مقدس را به تصویر بکشد و فکر می کنم آثاری با چنین تم هایی بیشتر خواهد شد؛ چرا که مشکلات خانواده شهدا و نادیده گرفتن خون شهدا در عرصه های مختلف از دید هنرمند متعهد مخفی نخواهد ماند. من در اثرم به دنبال یک تلنگر بودم تا یادمان نرود در کوچه پس کوچه های این شهر مادری زندگی می کنند که روزی برای دفاع از خاک میهن فرزندان شان را به میدان های نبرد فرستادند.

در میان هنرمندان و کارگردانان متعهد سینمای ایران شخص خاصی را به عنوان الگو انتخاب کرده اید؟

کارگردانی مانند ابراهیم حاتمی کیا برای خودم به شخصه همواره در مسیر هنری الگو بوده است و همواره سعی کردم تا آثار این فیلمساز مؤلف را دنبال کنم و شباهتی در این بین ایجاد کنم. در این چند سال اخیر که جشنواره عمار کار خود را آغاز کرده و اثرات خوبی از فیلمسازان گمنام به نمایش درآمده، توانسته ام چیزهای بسیاری از آن ها یاد بگیرم و سعی کردم به این آثار نیز نگاهم را داشته باشم و فکر می کنم که همین فیلمسازان دغدغه مند در جشنواره عمار نیز می توانند سرمشقی خیر باشند و آن فرم و محتوای کاری شان در ذهن غالباً در کارهای من بوده است.

دلیل آن تم سیاه سفیدی که در اثرتان حاکم کردید چه بوده است؟

من خودم سیاه و سفید را نمی پسندم اما قبول دارم که کار تلخ است و می خواستم این تلخ بودن را مخاطب احساس کند؛ چرا که متأسفانه مردم جامعه در روزمرگی های خود این افراد فراموش کرده اند. ممکن است مردم در جامعه با این مسئله زیاد سرو کار نداشته باشند اما وجود دارد و دوست داشتم این حس تلخ را مخاطب درک کند و از قصد نیز پایان فیلم این چنین شد؛ چرا که حس من این است که خانواده های شهید که به فراموشی سپرده می شوند دوست داشتم این حس منتقل شود.

جشنواره عمار تا چه میزان توانسته در

عرصه ترویج فرهنگ شهدا اثر گذار باشد؟ با توجه به این که جشنواره عمار خود را از چهارچوب های مرسوم جشنواره ای جدا کرده است و کارها را به خانه ها و محلات برده است، می تواند بسیار اثرگذار باشد و از آن جایی که آثار این جشنواره را در سال های گذشته بنده در مسجد و محله خودمان نیز اکران کردم متوجه بازخورد های مثبت آن در میان مردم شدم. خوشبختانه جشنواره عمار توانسته تأثیر خود را بگذارد؛ چرا که مردم فارغ از هر گونه تشریفاتی آمدند و فیلم ها را دیدند و این مسئله به طور قطع انعکاس های مثبت خود را به همراه خواهد داشت.

قبول داریم که کار تلخ است و می خواستم

این تلخ بودن را مخاطب احساس کند؛ چرا که متأسفانه مردم جامعه در روزمرگی های خود این افراد فراموش کرده اند.





اکران فیلم‌های «معلم» و «تک فرزندی» برای اعضای جمعیت هلال احمر گراش



اکران «من مدیر جلسه‌ام» با حضور اساتید حوزه و امام جمعه شهرستان سنقر در ستاد خادم‌الشهدا



اکران نماهنگ «گرمترین روز زمستان» در جمع حلقه صالحین شهرستان انار استان کرمان



اکران در جلسه زیارت عاشورا به مناسبت بیست و نهمین سالگرد شهید وکیلی در منزل جانباز وکیلی، چناران مشهد



افتتاحیه جشنواره عمار در شهرستان آبیگ استان قزوین همراه با بزرگداشت شیخ نمر



اکران با جایزه در دبستان دخترانه لاله های انقلاب ورامین

دانش آموزان نوبت دوم دبستان دخترانه لاله های انقلاب ورامین به تماشای فیلم‌های جشنواره عمار نشستند. پس از نمایش فیلم‌های «برعکس»، «دولت کاریکاتور» و «رنج عشق» از دانش آموزان نظرسنجی به عمل آمد و به چهل نفر از دانش آموزان که بهترین نظرات را ارائه کردند هدایایی اهدا شد.



افتتاحیه ششمین دوره جشنواره مردمی فیلم عمار در شهرستان قدس

مسجد صاحب‌الزمان شهرستان قدس همزمان با هفته بصیرت میزبان جمع کثیری از مردم انقلابی بود که جهت تماشای فیلم‌های ششمین جشنواره مردمی فیلم عمار آمده بودند. در این برنامه اکران بیش از ۲۰۰ نفر متشکل از روحانیون، جوانان و سایر اقشار مردمی این شهرستان حضور داشتند که با اشتیاق به تماشای فیلم «لکه» نشستند. قنبرپور فرمانده پایگاه بسیج و رابط اکران مسجد صاحب‌الزمان بیان داشت: حضور جوانان در اکران فیلم‌های جشنواره مردمی عمار نشان از علاقه‌مندی آنان به این عرصه و همخوانی فیلم‌ها با جامعه که در آن زندگی می‌کنند دارد.



«ماه و تماشا»

نماهنگ «ماه و تماشا» اثری از سید مرتضی رضوی کارگردان جوان خوش ذوقی است که در ششمین جشنواره عمار شرکت داده شده است. سوژه اصلی این نماهنگ، شهید فرخزاد سلحشور از دانشجویان پیرو خط امام (ره) در تسخیر لانه جاسوسی و هم‌رزم شهید علم الهدی در حماسه هویزه است. تصاویر این اثر در گلزار شهدای هویزه گرفته شده و در آستانه سالگرد حماسه شهدای هویزه، برای نخستین بار از آن رونمایی می‌شود.



«فرش تا عرش»

امید آقایی متولد ۱۳۵۴ و از افسران نیروی هوایی ارتش است که از سال ۱۳۷۷ در حوزه علمیه فعالیتش را آغاز کرده و با مستند از عرش تا فرش در ششمین جشنواره فیلم عمار شرکت کرده است. آقایی فعالیتش در عرصه فیلمسازی را از حدود ۲ سال پیش به همراه دوستانش در داخل و خارج کشور شروع کرده و فیلم‌های کوتاه، نیمه بلند و تله فیلم‌هایی ساخته که در کارنامه هنری او به چشم می‌خورد. فرش تا عرش قصه‌ی جوانی است که اقدام به دزدی فرش خانه یک روحانی می‌کند و با برخورد کریمانه او متنبه می‌شود.



«سید ظهیر»

«سید ظهیر» روایت روحانی پاکستانی است که خود را از ایالت کالیفرنیا محل زندگی‌اش به کربلا می‌رساند تا در شبکه رسمی حرم امام حسین (ع) به صورت زنده برنامه تلویزیونی اجرا کند. او این راه را برای تبلیغ شیعه برگزیده است، راهی که هر ماه ۱۰ روز از زندگی‌اش را صرف آن می‌کند. مستند «سید ظهیر» اولین محصول اداره کل صوت و تصویرنگاری تسنیم در حوزه تولید مستندهای بلند تلویزیونی است که به کارگردانی محمد هادی نعمت‌الهی است که تصاویر آن در کربلا گرفته شده است.



«روایت راوی»

روایت راوی عنوان مستندی ۳۰ دقیقه‌ای به کارگردانی محمد صفا است که با محوریت زندگی و شخصیت حاج شیخ عبدالله ضابط تولید شده است. در این اثر کارگردان در مصاحبه با اطرافیان شیخ عبدالله ضابط به بررسی شخصیت این روحانی پرداخته و توانسته با استفاده از تصاویر آرشیوی به جذابیت‌های این مستند بیفزاید. حجت الاسلام عبدالله ضابط روحانی پاک سیرتی بود که بعد از جنگ هر چه از او شنیده می‌شد، نام و یاد شهدا بود.



«من میترا نیستم»

«من میترا نیستم» عنوان مستندی است به کارگردانی محسن امانی است که در مدت زمان ۴۵ به زندگینامه شهید زینب کمایی که در سن ۱۴ سالگی توسط گروهک منافقین ترور میشه می‌پردازد. در این مستند افزون بر باسازی برخی از تصاویر با نزدیکان سوژه اصلی مستند مصاحبه می‌شود.

قسمت دوم



فرهنگ لغات سینمایی

محمدحسین علیان

فصل دوم: اصطلاحات خود سینما:

تخمه: یک چیزی ضروری ممنوع. چیزی که تماشاگر نبودش را در سینما تحمل نمیکند و مسئول سینما وجودش را. یکی از چیزهایی که خلاقیت مردم را در جاساز کردن آن نشان می‌دهد مأمور سینما: کسی که چراغ قوه می‌اندازد توی چشم ملت تا جای خالی پیدا کند. مأمور گرفتن مچ تماشاگران تخمه خور. کسی که نمی‌گذارد در سینما بخندی. سه شنبه: روز موعود عاشقان. روزی که نشان می‌دهد علت خلوتی سینما در روزهای دیگر کیفیت فیلم نیست بلکه سه شنبه نبودن دیگر روزهاست. شماره صندلی: چیزی که حکم قاشق خورشید سرسفره را دارد که هست ولی کسی از آن استفاده نمی‌کند. چیزی که فقط موقع کم آمدن صندلی و دعوا بر سر صندلی به آن نگاه می‌شود.

بلیط سینما: بزرگترین مانع فروش سینما. تکه کاغذی که عدد روی آن (قیمت) تأثیر چشمگیری روی تعداد بیننده‌های یک فیلم دارد. صندلی سینما: تاپاشی‌تاشه. وسیله ایست که در هنگام خسته کننده بودن فیلم، با انجام انواع حرکت‌ها بر روی آن میتوان خود را سرگرم کرد. دسته آن شیء بسیار مهمی ست که هنوز مشخص نشده برای ماست یا بغل دستی. مأمور کنترل بلیط: کسی که علاوه بر کنترل بلیط، مسئولیت‌های دیگری هم دارد همچون واریسی بدنی بعضیها برای همراه نداشتن تخمه سیاه، کنترل افراد که یک وقت کسی دوتا نباشد، و بررسی نسبت تماشاچیان که باهم می‌آیند.

برای شما عاشقان سینما فال می‌گیریم تا بفهمید با خودتان

چند چندید:

فال امروز

محمدحسن یعقوب کوره‌پز

ای سو ناز من که خوش می‌روک بازی ناز
عشاق را به ناز تو هر خط صد نیاز
فخنده باطلعت خبثت که در ازل
بپرده اندر قد سرت قبای ناز

به چشم خواهی بازیگر توانایی هستی. آن نقش آخری که بازی کردید خیلی ناز بود. با تلاش بیشتر می‌توانید به موفقیت‌های بزرگی دست پیدا کنید. ما از روز ازل منتظر بازیگری مثل شما بودیم و الان هم یک سری نقش ناز در فیلم‌های آینده برای شما در نظر گرفته ایم که الحق براننده شماست و بس. برای توجیه این نقش‌ها لازم است ناز نکنید و ارتباط تان را با ما بیشتر کنید تا ببینیم شخصیت‌های فیلم به قد و بالای شما می‌آیند یا نه. آینده درخشانی در انتظار شماست که نباید به آن پشت پا بزنید. زندگی را سخت نگیرید. هم دیگران به شما نیاز دارند هم شما به دیگران نیاز دارید. اتفاقاً در فیلم جدید بازی در نقش یک نفر به اسم طلعت به شما پیشنهاد می‌شود که مبادا رد کنید!

رباعی روز

حجت رجبی

فریاد برآوری، خروشان باشی
از زندگی خودت پیشیمان باشی
با ضبط دوباره خودکشی خواهی کرد
یک لحظه اگر که کارگردان باشی

طراح: سجاد جعفری

اگر در نقش قسمت گذشته نتوانستید به سینما راه پیدا کنید، این تیکت را به کار ببرید:
گوشه‌های از محل کلبه‌تان دوری کار بزارید و فیلم بگیرید، چند وقت پیش یک نفر توی تاکسی
این کار رو می‌کنه و فیلمش توی کن جایزه بگیره!



تحریریه: سجاد اسلامیان - نوید نوروزی

محمد رضا پورصفا - عارف جعفری - محمدرضا شهبازی

همکاران: رسول احمدی - اکرم گوهریان - زینب تختی

سید امیرحسین فتاح حسینی

گرافیک: مهدی بادیه پیمان

6thammarpopularfilmfestival

@ammarfilmfestival

ammarfilm.ir

شستشوی سهیلا در تنگ اسید

جواد محرمی

صدای باد به گوش می‌رسد. این همان پلانی است که نیم ساعت بعدی فیلم را به خود اختصاص می‌دهد.

داخلی - کلبه‌ای در دشت فراخ - شب

مرد در کلبه‌ای قدیمی روی صندلی نشسته و به نقطه‌ای نامعلوم خیره شده است. مگسی در فضای اتاق جولان می‌دهد. مرد زیر چشمی رد مگس را با نگاهش دنبال می‌کند. ناگهان کلاه از سر برداشته و به سمت مگس حمله ور می‌شود. مگس در هوا چرخ می‌خورد و به زمین می‌افتد. مرد مگس را برداشته و با ژست قهرمانانه‌ای ورنانداز می‌کند. در کلبه باز شده و زنی با تپانچه به سوی مرد شلیک می‌کند. کله مرد از هم متلاشی شده و خون به روی درو دیوار می‌پاشد. زن بالای سر جنازه خونین مرد آمده و به آن نگاه می‌کند. چهره زن از نمای پایین به بالا نمایان است. تیتراژ فیلم روی چهره زن پدیدار می‌شود.

در این شماره فیلمنامه یک اثر که این روزها در گروه هنر و تجربه در حال اکران است را برایتان آماده کرده ایم که از نظرتان می‌گذرد.

عنوان فیلمنامه: شستشوی سهیلا در تنگ اسید

برآورد هزینه برای ساخت: دو میلیارد تومان

تهیه‌کننده: بنیاد سینمایی فارابی

خارجی - یک دشت فراخ - روز

مردی در انتهای یک جاده طولانی در راستای افق در حال حرکت است. مرد آنقدر دور است که مانند یک نقطه به نظر می‌رسد. این سکانس پلان نیم ساعت ابتدایی فیلم را به خود اختصاص می‌دهد.

خارجی - همان دشت فراخ - روز

مگسی روی لنز دوربین می‌نشیند. از کنار پای مگس مرد که حالا کمی نزدیک تر شده و مانند نقطه‌ای بزرگتر به نظر می‌رسد دیده می‌شود.